

خبرها

پخش فیلم‌های رضا عطاران از شبکه نمایش

پخش فرهنگی – شبکه نمایش این هفته در فاصله اعیاد سعید قربان تا غدیر و در بخش مرور پرونده کاری بازیگران، فیلم‌هایی از رضا عطاران را پخش می‌کند. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی شبکه نمایش، فیلم‌های «هوو»، «خلاق تو خوب کن»، «خروس جنگی»، «کلاهی برای باران»، «نیش زنبور»، «هر چی خدا بخواد»، و «آقای هفت رنگ» از جمله آثاری هستند که با بازی این بازیگر به ترتیب از شنبه سوم تا جمعه ۹ شهریور ساعت ۲۱ از شبکه نمایش پخش می‌شوند.

رضا عطاران بازیگر و کارگردان، برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ در مجموعه پرواز ۵۷ به کارگردانی مهران مدیری و شیرین جاهد جلوی دوربین رفت. بعد از آن، سال ۷۳ نیز در مجموعه «ساعت خوش» مهران مدیری حضور یافت و پس از آن با حضور در مجموعه‌های مختلف توانست اولین سریال خود را با نام «کوچه اقاقلبا» که زنده‌یاد منوچهر نودری نیز در آن ایفای نقش کرده بود را بسازد و در ادامه مجموعه‌های «خانه به دوش»، «متهم گریخت»، «ترش و شیرین» و «بزنگاه» را کارگردانی کند. در این میان موفقیت سریال «خانه به دوش» در جذب مخاطب باعث شد تا عطاران در ماه رمضان سال‌های بعد نیز دو سریال «متهم گریخت» و «بزنگاه» را برای تلویزیون بسازد. رضا عطاران سال ۹۲ در سی و دومین جشنواره فیلم فجر برای فیلم «طبقه حساس» برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد شد. وی سال ۹۳ لقب پول‌سازترین بازیگر سینمای ایران را گرفت.

●●●●●

«حکایت دریا»ی فرمان‌آرا در روسیه رقابت می‌کند

پخش فرهنگی – فیلم «حکایت دریا» به کارگردانی و نویسندگی و تهیه‌کنندگی بهمن فرمان‌آرا در بخش رقابتی یازدهمین جشنواره بین‌المللی «شرق و غرب» کشور روسیه به روی پرده می‌رود.

به گزارش ایسنا، «حکایت دریا» نهمین ساخته بهمن فرمان‌آراست که اواخر سال ۹۵ در شهرسان رامسر فیلمبرداری شد و فاطمه معتمدآریا، علی نصیریان، لیلیا حاتم‌ی، صابر ابر، علی مصفا، رویا نونهالی، داریوش اسدزاده، پانته‌ا پناهی‌ها، اصغر پیران و بهمن فرمان آرا در آن به ایفای نقش پرداختند. جشنواره «شرق و غرب» که از تاریخ ۲۴ تا ۳۰ اوت (۲ تا ۸ شهریور) در کشور روسیه برگزار می‌شود در بخش رقابتی علاوه بر فیلم «حکایت دریا» میزبان آثاری از کشورهای اسلونی، فرانسه، قزاقستان، بلغارستان، لهستان، چین، روسیه و قبرس نیز در بخش اصلی است. فاطمه معتمد آریا بازیگر فیلم «حکایت دریا» به نمایندگی از عوامل این فیلم در جشنواره «شرق و غرب» روسیه حضور یافته است.

پخش بین‌المللی این فیلم را نسرین میرشب برعهده دارد. سایر عوامل اصلی این فیلم عبارتند از جانشین تهیه کننده و مجری طرح : ماهان حیدری ، دستیار اول کارگردان و برنامه ریز : مانفرد اسماعیلی، مدیر فیلمبرداری : فرشاد محمدی، صدابردار : ساسان نخعی، طراح صحنه : کیوان مقدم ، طراح لباس : سارا اسمعیی، طراح گریم : مهرداد میرکیانی، آهنگساز: پیمان یزدانیان، عکاس : مسعود اشتری، فیلم پشت صحنه : الی حیدری، منشی صحنه : غزل رشیدی ، مدیر تولید : وحید مشاری ، مدیر تدارکات : جواد راهزانی، تدوین : سینا گنجوی ، طراح تیتراژ : ساعد مشکئی، صداگذار : انسیه ملکی ، جلوه‌های ویژه تصویری : سینا قویدل ، مدیر روابط عمومی شهرستان رامسر : احسان یکتا ، مدیر روابطعمومی و مشاور رسانه‌ای : عسل عباسیان.

●●●●●

۹ نماینده اسکار خارجی‌زبان معرفی شدند

پخش فرهنگی – با معرفی فیلم‌های منتخب از سوی ژاپن و بلژیک برای بخش اسکار خارجی زبان نود و یکمین دوره اسکار، تعداد فیلم‌های معرفی شده برای رقابت در این بخش به ۹ فیلم رسید.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از آسوشیتدپرس، در حالی که ژاپن فیلم برنده جایزه کن امسال یعنی «دله زددها» ساخته هیروکازو کورتیدا را برای اسکار ۲۰۱۹ در بخش خارجی زبان معرفی کرده است، بلژیک نیز فیلم «دختر» ساخته لوکاس دونت را برای شرکت در این بخش انتخاب کرد.

«قوی بلورین» ساخته داریا ژوک از بلاروس، «بگیر یا ولش کن» از استونی نخستین تجربه کارگردانی لینا ترسکیئا-وانهاتالو، «برایم اهمیتی ندارد که در تاریخ تا حد بربرها سقوط کنیم» ساخته رادو ژوده از رومانی، «مترجم» ساخته مارتین شولیک از اسلواکی، «الدورادو» ساخته مارکوس ایمهوف از سوئیس، «درخت گلایب وحشی» ساخته نوری بیلگه جیلان از ترکیه، «کن جلدوگر نیستم» ساخته رونگائو نیونی از بریتانیا نیز تانکون برای این رقابت معرفی شده‌اند.

«دله زددها» شصت و پنجمین فیلمی است که از سوی ژاپن برای این رقابت معرفی می‌شود. ژاپن تاکنون ۱۲ بار نامزد شده و ۴ بار این جایزه را برده است. «دله زددها» امسال برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره کن شد.

«دختر» اولین فیلم دونت است که به اسکار معرفی می‌شود. این فیلم چهل و سومین فیلمی است که بلژیک برای اسکار معرفی می‌کند. این کشور تا کنون ۷ نامزد داشته است و تنها یک بار در سال ۲۰۱۵ به فهرست کوتاه این رقابت راه یافته است.

«دختر» موفق به کسب جایزه فیپرش ی و دوربین طلای جشنواره کن امسال شد و برای بهترین بازیگر مرد نقش اول جایزه جشنواره اودسا را تصاحب کرد.

نامزدهای منتخب از میان فیلم‌های معرفی شده به اسکار خارجی زبان دوره نود و یکم، ۲۲ ژانویه ۲۰۱۹ معرفی می‌شوند. مراسم اسکار ۲۴ فوریه ۲۰۱۹ برگزار می‌شود.

{فرهنگ و هنر }

نقد فیلم «مرداد» ساخته بهمن کامیار

از مضرات خلط مدیوم!

کننده ی روایت نیز هستند، اصلاً معلوم نیست کدامیک نسبت به کدامیک، تقدم می تأخر دارند و درام مرکزی، حول کدام مسأله و خرده داستان شکل گرفته است و کدام مسائل و خرده داستان ها فرعی اندا گویی درام مرکزی و مسأله ی اصلی فیلم، میان انبوهی از این مسائل و خرده داستان های گاه حتی بی ارتباط با یکدیگر، مفقود شده است!

ثالثاً به نظر می رسد که فیلم، متریال داستانی یا چالش و کشمکش و برهم کنش دراماتیک نریشن ها است، نشان دهد که در حال روایت داستانی رخ داده شده در گذشته، در زمان حال، به صورت فلاش بکی دائمی از آخر به اول است؛ گویی در حال خواندن دفترچه خاطرات

داستانی، اساسا در پرده ی دوم مسکوت می ماند و روایت نمی شود، تا از این عدم روایت و ابهام ناشی از آن، مثلا گره داستانی ایجاد شود و یک پس از روایت آن خطوط داستانی روایت نشده در پرده ی سوم، مثلا گره گشایی داستانی صورت گیرد! غافل از اینکه با اتخاذ این شیوه ی روایی، چیزی حدود دو-سوم زمان فیلم، دچار خلأ داستانی می‌شود، بی آنکه هیچگونه گره افکنی و پیامدش، گره گشایی بایسته‌ی داستانی صورت بگیرد؛ چرا که عملاً تنها اتفاقی که در این میان افتاده، این است که داستان فیلم، پس از طی مقدمه چینی ها و معرفی اولیه ی شخصیتی و موقعیتی اش، اصلا دو-سوم مسیرش را ادامه نمی دهد و روایت ادامه ی داستان، بی جهت یک پرده به تأخیر می افتد، بی آنکه در این مسیر یکنواخت

داستانی، کمترین دست انداز و چالشی ایجاد شود؛ و به همین دلیل است که فیلم اساسا پرده ی سوم بایسته ندارد، بلکه یک پرده ی دوم بیش از اندازه مطول و البته پایان نیافته دارد؛ چرا که عملاً نقطه عطف یا حادثه محرک داستانی جهت پایان یافتن پرده ی دوم و ورود به پرده ی سوم وجود ندارد و صرفاً مهم ترین و اصلی ترین و بیشترین بخش های داستان که می بایست از ابتدا یا میانه ی پرده ی دوم روایت شوند، بیخودی مسکوت می‌مانند و ناگهان در ده دقیقه ی پایانی فیلم، به واسطه ی مونولوگ های کاراکتر «سوگل»، به نحوی کیسولی و تزریقاتی و کنسروبندی شده، انشا می‌شوند! رابعا همین شیوه ی روایی ابهام آفرینی جهت مثلا گره افکنی و در واقع، مسکوت گذاشتن و روایت نکردن تحمیلی و بی جهت بخش عمده ی داستان، موجب شده تا اغلب کنش و واکنش ها و رفتارهای میان کاراکترها، بی علت العلل و بدون منطق روایی و دراماتیک جلوه کند. برای نمونه، اصلا چه نیازی به رابطه ی پنهانی انگونه شک برانگیز میان «میر» و «سوگل» برای رفع مشکل پچه دار شدن «رویا» است (آن هم در حالی که این مسأله برای «رویا»، دست کم آنطور که درام مرکزی نشان می دهد حد نیست؟!؛ چرا راه حل «میر» و «سوگل» برای حل مشکل «رویا»، از همان ابتدا با خود «رویا» در میان گذاشته نمی‌شود؟! و اگر هم بنا بر پنهان کاری است، چرا این پنهان کاری، انقدر آشکار و به شکل بازی «موش و گربه» اظهار من الشمس در مقابل چشمان «رویا» صورت می‌گیرد (آن هم به نحوی که حتی‌کنندهن ترین و خوش بین ترین آدم ها را هم به شک بیاندازد)؟! آیا جز این است که با مطلع کردن «رویا» توسط «میر» و «سوگل»، هیچکدام از موقعیت های داستانی بعدی، عملاً نمی‌توانند شکل بگیرند و موقعیت مرکزی درام، بی موضوعیت می‌شود و درام، دچار پایان زودهنگام داستانی می‌شود؟ و آیا اصلا یکی از دلایل یک پرده به تأخیر انداختن روایت بخش عمده ی داستان، همین دچار نشدن داستان به پایان زودهنگام به علت کم متریالی و تحیف بودن اش نیست؟

در مجموع، به نظر می‌رسد سرمنشا همه ی این نقصان های «مرداد» بهمن کامیار، ناشی از مضرات نوعی خلط مدیوم ادبیات با سینما است. اینکه پیش و بیش از فضاسازی عینی و تعریف شده، با فضاسازی توصیفی و ذهنی مواجهیم، اینکه گره افکنی داستانی، نه در روایت شدن چالش افزای داستان، بلکه در روایت نشدن و مخفی ماندن داستان است که بروز و ظهور می‌کند، اینکه داستان و جهان فیلم، به جای حرکت حول یک درام معین و مسأله ی مشخص، میان خرده داستان ها و مسائل گوناگون، در حال سیلان باشد، اینکه به ویژه به علت وجود نحوری نریشن ها در همه جای روایت، به جای روایت نمایشی و ابژکتیو شده، با روایت مبهم و تأویلی مواجهیم و مجبوریم به جای مشاهده ی فیلم، با مراجعه به ذهن و تخیل خودمان، بخش های عینی نشده ی جهان و داستان فیلم را خودمان (و نه فیلمساز!) عینی کنیم و در آن سهمیم شویم، جملگی نشان می‌دهد فیلم بهمن کامیار، پیش و بیش از آنکه دارای ویژگی های نمایشی و عینی مدیوم سینما باشد، واجد ویژگی های ذهنی و توصیفی و استعاری و تأویلی مدیوم ادبیات است و از این روی، حتما می‌توانست رمان بهتری باشد تا یک فیلم سینمایی.

گفت و گو با مهناز افشار، بازیگر فیلم «دارکوب»

ما همیشه ظاهر بحران را می‌بینیم



◆ **در «دارکوب» دو کاراکتر زن داریم که یکی از این کاراکترها به نظر سخت‌تر می‌رسد، پیشنهادی که به شما شد از ابتدا همین کاراکتر بود؟**

هر کاراکتری سختی خاص خودش را دارد. قطعاً شخصیت‌هایی که تیپ هستند سختی از نوع خاص خودشان را برای شکل دادن به آن کاراکتر را دارند ولی شخصیت‌هایی که تیپ نیستند هم سختی خاص خودشان را دارند و در سینمای امروز یک شخصیت معمولی را زندگی کردن هم چالش‌های خودش را دارد.

◆ **از ابتدا همین کاراکتر به شما پیشنهاد شد؟**
پیشنهادی که از ابتدا به من شد همین نقش نیلوفر بود. این کار به یک شکلی به بازیگرهای دیگری هم پیشنهاد داده شده بود و به من هم همینطور. من اصلاً قصد بازی در این کار را نداشتم، برای اینکه در آن زمان اصلاً آمادگی بازی در این کار را نداشتم و از طرفی تعهدات دیگری هم داشتم برای همین تصمیم نداشتم سر این کار بروم. به همین دلیل کار را رد کردم و این نقش به بازیگرهای دیگری هم پیشنهاد شد که آنطور که من می‌دانم آنها هم نرفتنند. در نهایت آقای رضوی یک بار دیگر به من پیشنهاد دادند و من قبول کردم.

◆ **چطور راضی شدید؟**
دلیل اصلی که در نهایت این کار را پذیرفتم بچه‌ای بود که در آن وجود داشت و اینکه بتوانم به بخشی از مادرها در این زمینه هم کمک کنم که سرپرستی بچه‌ای را پذیرفتند ولی کسی آن‌ها را جدی نمی‌گیرد و ما همیشه ظاهر بحران را می‌بینیم. بعضی اوقات یک اتفاق تصویرش بحرانی نیست ولی در داخلش خیلی غم‌انگیز است. دلم می‌خواست در این ماجرا نقشی داشته باشم و برای همین قبول کردم.

یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۹۷

خبرها

تمجید و انتقاد گوهر خیراندیش از فیلم «تنگه ابوقریب»



بخش فرهنگی – گوهر خیراندیش با تاکید بر اینکه خاطرات روزهای جنگ با تماشای فیلم «تنگه ابوقریب» برایش زنده شده است، بیان کرد که تنها مشکلی که این اثر داشت نامشخص بودن جغرافیای محیط بود.

به گزارش خبرآنلاین، گوهر خیراندیش که به تازگی به تماشای فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» نشست، درباره این فیلم گفت: «سراسر این فیلم برای من تداعی کننده سال‌های جنگ بود. حس می‌کردم در آن لحظه‌ها حضور دارم. ریتم فیلم، بازی‌ها و کارگردانی درخشان و تحسین‌برانگیز است. زمان جنگ برخی اقوام به جبهه رفته بودند، من توانستم تصاویری را که آنها سال‌ها درباره‌اش صحبت می‌کردند، روی پرده سینما ببینم.»

بازیگر فیلم «ارتفاع پست» افزود: فیلم «تنگه ابوقریب» اثری است که شاید تکرارش به این زودی در سینمای ایران اتفاق نیفتد. چنین زحمتی در این ابعاد و یک جا در سینمای جنگ ندیده بودم. بیشتر فیلم‌هایی که تاکنون درباره جنگ ساخته شده بیست دقیقه تا نیم ساعت اول تماشاگر را درگیر می‌کنند، اما در ادامه معمولاً موفق نیستند. در صورتی که این فیلم توانست تا آخرین لحظه من را درگیر کند و این در سینما خیلی دوست‌داشتنی و لذت‌بخش است.»

خیراندیش اشاره کرد: «تنها نکته‌ای که سخت می‌توانستم درکش کنم جغرافیا و محل وقوع حوادث فیلم بود. اگر چه می‌دانستم که همه اینها در کشور خودم رخ داده اما کدام نقطه است؟ هر بار که بچه‌ها به نقطه امن اشاره می‌کردند و می‌گفتند به این سمت بیاید یا از آن سمت بروید برای من مشخص نبود کدام قسمت می‌تواند خاکریز و جای امن باشد. دلم می‌خواست یکی از دوربین‌ها نقطه دوری از محل وقوع جنگ را به من نشان دهد اما تمام مدت کلوزآپ و شات‌های بسته می‌دیدیم و جغرافیا برای ما مشخص نبود. به همین خاطر متوجه نمی‌شدم این رفت و آمدها از کجا به کجا اتفاق می‌افتد.»

این بازیگر ادامه داد: «اگر دوربین کمی بالاتر و دورتر از محل حادثه و آدم‌ها را نشان می‌داد ما می‌توانستیم از بالا ببینیم اینها در چه شرایطی قرار گرفته‌اند، جز این مورد واقعا همه چیز «تنگه ابوقریب» عالی بود و می‌توانم بگویم دست کارگردان، جلوه‌های ویژه، صحنه و لباس، فیلمبرداری و ... در همه زمینه‌ها درد نکند که موفق بودند. به همه عوامل فیلم تبریک می‌گویم، تماشاگر در این فیلم به التهاب جنگ نزدیک و درگیر قصه می‌شود.»

او در پایان با اشاره به اینکه بهرام توکلی کارگردانی را خوب می‌شناسد، گفت: «اصلاً اهمیتی ندارد که این فیلم ژانرش دفاع مقدس است. مهم این است که کارگردان توانسته در «تنگه ابوقریب» یک اثر

خوش ساخت با ریتم درست سینمایی بسازد. او در هر ژانری می‌تواند همین‌قدر موفق باشد و از فیلمسازی که سینما و کارش را می‌شناسد همین انتظار می‌رود. خوشبختانه سینماگران نسل جدید کارشان را بلدند و خیلی خوب هم توانسته‌اند استعدادشان را نشان دهند. آنها مستقل عمل می‌کنند. نمونه‌اش را در آثاری چون «در ابد و یک روز»، «چند متر مکعب عشق» و کارهای دیگر جوانان دیده‌ایم. حتی جوانانی که وارد ژانر کمدی شده‌اند موفق بوده و کارشان را بلدند تنها باید به آنها فرصت داد تا روز به روز بهتر شوند.»

●●●●●

فیلم سال از نگاه فدراسیون بین‌المللی منتقدین

بخش فرهنگی – فدراسیون بین‌المللی منتقدین سینما (فیپرش) جایزه بزرگ یک سال اخیر خود را به فیلم «رشته خیال» ساخته «پل توماس اندرسون» اعطاء کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، ۴۷۳ منتقد سینمایی از سراسر جهان با رای‌گیری جایزه بزرگ فدراسیون بین‌المللی منتقدین سینما (فیپرش) از میان فیلم‌های اکران شده از تاریخ اول جولای ۲۰۱۷ تاکنون را به فیلم «رشته خیال» به کارگردانی «پل توماس اندرسون» اعطاء کردند.

«سه بیلورد خارج از میزوری اینتگ» به کارگردانی «مارتین مک‌دوننا»، «جنگ سرد» ساخته «پاول پالیکوفسکی» بهترین کارگردانی جشنواره کن و «زاما» از «لوکرشیا مارتل» سه فینالست دیگر در کنار فیلم «رشته خیال» بودند که در میان اعضای فیپرش به رای گذاشته شدند. قرار است «پل توماس اندرسون» جایزه خود را در جریان برگزاری جشنواره فیلم سن سباستین در کشور اسپانیا دریافت کند. وی پیش از این نیز دو بار برای فیلم‌های «خون به پا خواهد شد» (۲۰۰۸) و «مگنولیا» (۲۰۰۰) این جایزه در دریافت کرده بود و از این حیث در میان کارگردانان سینمای جهان رکورددار است.